

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

تیمور شاه تیموری

شهرک زیزن

۳۰ جولای ۲۰۱۵

تنهایی

صبحها که به بستر نشینم	جز خود کس دیگری نبینم
هر سو به امید نظر نمایم	تا دیده به آن دگر نمایم
کس نیست که حال دل بگویم	یا گفته ای از لبی بجویم
سر میفکنم به دامن خویش	یادی بکنم ز مامن خویش
یادی بکنم ز دوستانم	یاران عزیز و مهربانم
آن دوره مستی و جوانی	آن دوره عشق و کامرانی
آن فرصت کار و بهره گیری	ایام جوانی و دلیری
هر گه که ز عشق میرمیدم	صد ناله و درد میکشیدم
چون بلبل مست عاشق زار	بر شاخ گلی همخزیدم
اکنون که فسرده ام درین دام	دامی ز جهان بی سرانجام
گاهی به پیام دل کنم شاد	گاهی ز گمان همیکنم یاد
با حالت زار ناتوانی	صد عقده بود به دل نهانی
نی یار عزیز خوش تکلم	نی باده، که درد و غم کند گم
ای باده عشق آسمانی	درد دل من مگر ستانی
زین حالت سرنگون بیمار	آری تو مرا به خود دگر بار
با نور صفا همان ببینم	صد رمز درین جهان ببینم
مائیم ز خلق ت اسفبار	در بند هوس همه گرفتار

از دیده عشق اگـر ببینیم هر چه به جهان بُود گزینیم
درسی ز کتاب مهر خوانیم فصلی ز حدیث عشق دانیم
آن گـاست جهان ما منور این امر بُود به ما میسر
از دید سیـاه تیرگیها بگذر به صفـای دلبریها
در دهر و هرآنچه هست پنهان
نزد تو شود همه درخشان